



پنج شنبه -۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵- سال دوازدهم -شماره ۲۴۷۴

**پیام سیدعباس صالحی به جشنواره خلیج فارس؛**  
**اصحاب فرهنگ، حقیقت**  
**جافشانی‌ها برای حفظ خلیج**  
**فارس را با زبان هنر ماندگار کنند**



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری خلیج فارس نوشت: اگر در میدان دفاع، فرزندان رشید این مرز و بوم با جان‌فشانی از امنیت وطن پاسداری کردند تا خلیج فارس، خلیج فارس باقی بماند، امروز اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه رسالتی دیگر بر دوش دارند؛ آن‌که حقیقت رشادت‌ها را در زبان هنر روایت کنند و یاد آن ایشار را در حافظه نسل‌ها ماندگار سازند.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، سیدعباس صالحی همزمان با روز ملی خلیج فارس پیامی به شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری خلیج فارس صادر کرد که متن آن بدین شرح است:

«خلیج فارس، تنها نامی بر نقشه و پهنه‌ای در جغرافیای جنوب ایران نیست؛ نامی است هم‌سنگ تاریخ، نشانی از تداوم هویت و روایتی زنده از شکوه تمدنی ملتی که قرن‌ها بر ساحل فرهنگ، دانایی و پایداری ایستاده است.

این نام سترگ، در حافظه تاریخی ایرانیان، همواره با عزت، همبستگی و صلح‌خواهی همراه بوده و هر زمان که دست‌طعمی به سوی آن دراز شده، آینه استواری و غیرت ملی این سرزمین شده است؛ آینه‌ای به بلندی تاریخ که در این روزها، برای ایرانیان نمادی از مقاومت و عزت بوده و فرزندی عزیز از ملت ایران را در آغوش گرفته است.

دهم اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس در حالی فرامی‌رسد که سرزمین ما، در میانه روزهای سرشار از آزمون‌های دشوار و سرفرازی‌های ماندگار قرار دارد که تا نسل‌ها بعد، قصه‌ها خواهد داشت. خنده‌های ماه‌های اخیر، بار دیگر آشکار کرد که میهن‌پرستی، تاب‌آوری اجتماعی در راه وطن، فرهنگ مقاومت و استقلال خواهی در این سرزمین، امری عارض و شعاری نیست، بلکه ریشه در جان تاریخ دارد و سینه به سینه، از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود.

ایرانیان، همواره صلح را خواسته‌اند اما جنگ را نیز خوب بلدند و

امروز دیگر این گزاره، قصه‌ای در کتاب نیست، بلکه مردان دریادل سرزمین ما با خون خود، آن را به دنیا ثابت کرده‌اند.

از این رو، این دوره و ادوار آتی جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری خلیج فارس، فرصتی مغتنم برای تجلی پیوند هنر و ایستادگی ملی است و وظیفه‌ای سترگ بر عهده دارد.

اگر در میدان دفاع، فرزندان رشید این مرز و بوم با جان‌فشانی از امنیت

وطن پاسداری کردند تا خلیج فارس، خلیج فارس باقی بماند، امروز اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه رسالتی دیگر بر دوش دارند؛ آن‌که حقیقت رشادت‌ها را در زبان هنر روایت کنند و یاد آن ایثار را در حافظه نسل‌ها ماندگار سازند.

باید به خاطر داشت که خلیج فارس و تنگه هرمز، در همیشه تاریخ، آبراه صلح و همزیستی ملت‌ها بوده است؛ اما تاریخ گواهی می‌دهد که هر گاه بدخواهان در سسودای تعرض به این حریم برآمده‌اند، با اراده خلل‌ناپذیر ایرانیان روبه‌رو شده‌اند و از تنگسیری‌های قهرمان تا در یادلان سرزمین ما که در خون خود غلظیدند، گواه این موضوع هستند.

بدون شک ما در روزهایی قرار داریم که آیندگان به نیکی از مردم شکست‌ناپذیر ایران یاد می‌کنند؛ اما کیست که نداند، بزرگترین پیروزی‌ها، بدون روایت مناسب فرهنگی و هنری، در حصار زمان فراموش خواهند شد. بر همین مبنا معتقدم که جشنواره پراهمیت فرهنگی و هنری خلیج فارس، مسئولیتی صد چندان نسبت به دوره‌های گذشته بر دوش دارد.

چه جان‌سوز است که صیانت از این نام بزرگ، این خلیج همیشه فارس، با یاد مظلومیت کودکان و نسل‌کلا ن معصومی درآمیزد که در

جنایتی نابخشودنی در مدرسه شجره طیبه میناب به خاک و خون

کشیده شدند. آنان که فرزندان ایران بودند و نا‌شام‌نملی بر جنایت

رژیم‌های ستمگر علیه مردم این سرزمین است.



**سازمان** **گروه تحلیل، شهرام جلیلیان** – در این زمانه، ما شاهد جنگ خام‌انوسوزی شدید و پایداری شگفت‌انگیز ما ایرانی‌ها جهان را به شگفتی وا داشته است. مردم بارها سیاستمداران را شرمنده خود کرده‌اند. پس از جنگ ۱۲ روزه و در انتخابات متعدد، مردم ایران نشان دادند در تصمیم‌گیری‌های کشور شرکت خواهند کرد. ما همواره در چارچوب این نظام و این کشور بوده‌ایم و باید امیدوار باشیم که این بار بتوانیم از این پیچ تاریخی بگذریم. شهرام جلیلیان، استاد تاریخ در نوشتاری در باره اهمیت و ضرورت حفظ میراث معنوی ایرانیان آورده است: بر اساس شسواهد تاریخی و جغرافیایی، نام «خلیج فارس» ریشه‌های عمیقی در تاریخ دارد. برای هیچ ایرانی، هیچ تردیدی در اصالت تاریخی این نام وجود ندارد. نوروز، خلیج فارس و زبان فارسی، میراث‌های ملی ایران هستند در واقع این‌ها میراث تمام‌ومکمل ایران است و سرزمین جغرافیایی و تاریخی ایران بسیار گسترده‌تر از ایران امروز است. مطالعه متون تاریخی از دوره پیش از اسلام تا پس از اسلام نشان می‌دهد که مردم ایران چه عشق و علاقه‌ای به سرزمین خود دارند. حتی در متون پهلوی، ایران به‌عنوان «خوشیو» و «زَیبا» وصف شده است.

**نام خلیج فارس در منابع تاریخی**  
بر اساس شواهد تاریخی و جغرافیایی، نام «خلیج فارس» ریشه‌های عمیقی در تاریخ دارد. برای هیچ ایرانی، هیچ تردیدی در اصالت تاریخی این نام وجود ندارد. از روزگاری که پارس یک شاهنشاهی جهانی را به رهبری کوروش بزرگ بنیان‌گذاری کرد، یونانیان و رومیان و همسایه‌های ما سرزمین ایران را به عنوان حکومت «پارس» و دریای جنوبی را نیز به عنوان «دریای پارس» می‌شناختند. واژه‌گان‌هایی از جمله «سینوس پرسپیکوس» (دریای پارس) و «آکورایوم پرسپیکوم» (آب‌گیر پارس) در منابع متعدد یونانی و رومی بکار رفته‌اند. دلیل این نام‌گذاری این بود که پارسیان‌ها بر پهنه گسترده‌ای از جهان، به‌خصوص بر این دریا و مناطق اطرافِ اون فرمانروایی می‌کردند. یونانیان و رومیان این تصویر جغرافیایی را داشتند و خود ایرانیان نیز چنین نگاهی داشتند. داریوش بزرگ هخامنشی، زمانی که به مصر می‌رود، کانال سوئز امروزی را می‌سازد. این کانال به طول ۸۰ کیلومتر بود و رود نیل را به دریای سرخ و در نهایت به خلیج فارس و اقیانوس هند متصل می‌کرد. این امر اجازه می‌داد تا کشتی‌هایی که از مدیترانه می‌آمدند، از طریق کانال داریوش، وارد دریای سرخ شوند و سپس به اقیانوس هند دسترسی پیدا کنند. در کتیبه‌ای داریوش بزرگ گفت که «من این کانال را از رودی که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌آید کشدم». واژه‌گذاری مسیرهای تجاری در منابع تاریخی نشان می‌دهد که رومیان دریای سرخ را «دریای عرب» یا ساینوس آراپیکوس» می‌نامیدند.

از دهه ۱۹۳۰ میلادی، بریتانیایی‌ها یک توطئه شسومی را راه‌اندازی می‌کنند و تفرقه‌افکنی فراوانسی انجام دادند. سیاست‌مداران انگلیسی در منطقه بحرین و خلیج فارس، شروع به استفاده از خلیج عربی برای خلیج فارس کردند که در متون تاریخی و جغرافیایی روزگار باستان برای دریای سرخ به کار برده می‌شد. «سر چارلز بلگریو»، پرونده‌ای را به وزارت امور خارجه بریتانیا تحویل داد که عنوان پرورنده تغییر نام خلیج فارس بود. در آن روزگار مسائل سیاسی در خلیج فارس به گونه‌ای بود که بریتانیا شروع نامگذاری را نمی‌پذیرد اما آن سیاستمدار در گفت و گوهای خود بارها از واژه «خلیج عربی» استفاده می‌کند.

کتاب معروف بلگریو با عنوان «صاحب دزدان دریایی» که سال ۱۹۶۶ منتشر شد، بلگریو در آن کتاب با یک جمله شروع می‌کند «خلیج فارس، که امروزه عرب‌ها به آن خلیج عربی می‌گویند.» این در حالی است که چهار یا پنج سال پیش‌تر، در کتاب دیگری با عنوان «به بحرین خوش آمدید»، از نام «خلیج فارس» استفاده می‌کند. این نشان می‌دهد که نه یک کشف جغرافیایی یا تاریخی جدید صورت گرفته، بلکه یک توطئه سیاسی بود. این نام‌گذاری جدید به مذاق برخی گروه‌های بعثی در عراق و مصر خوش آمد. جمال عبدالناصر، که در سخنرانی‌های گذشته خود همواره از نام «خلیج فارس» نام می‌برد، ناگاه این نام را تغییر داد و از «خلیج عربی» استفاده کرد. اما باید توجه داشت که دانشمندان، سیاستمداران و اندیشه‌ورزان برجسته‌ای در کشورهای عربی وجود دارند که این جنجال و توطئه بریتانیایی را نمی‌پذیرند. فهرست بلندی از این افراد منصف وجود دارد که معتقدند باید احترام به اسناد و مدارک تاریخی گذاشته شود. صدها نقشه در عراق، حتی پس از حزب بعث، وجود دارند که در کتاب‌های درسی و نقشه‌های رسمی، نام «خلیج فارس» به‌درستی به‌کار رفته است. بنابراین هیچ تردیدی در این زمینه وجود ندارد.

**تلاش برای تغییر نام: یک توطئه تاریخی**

از دهه ۱۹۳۰ میلادی، بریتانیایی‌ها یک توطئه شسومی را راه‌اندازی می‌کنند و تفرقه‌افکنی فراوانسی انجام دادند. سیاست‌مداران انگلیسی در منطقه بحرین و خلیج فارس، شروع به استفاده از خلیج عربی برای خلیج فارس کردند که در متون تاریخی و جغرافیایی روزگار باستان برای دریای سرخ به کار برده می‌شد. «سر چارلز بلگریو»، پرونده‌ای را به وزارت امور خارجه بریتانیا تحویل داد که عنوان پرورنده تغییر نام خلیج فارس بود. در آن روزگار مسائل سیاسی در خلیج فارس به گونه‌ای بود که بریتانیا شروع نامگذاری را نمی‌پذیرد اما آن سیاستمدار در گفت و گوهای خود بارها از واژه «خلیج عربی» استفاده می‌کند.

کتاب معروف بلگریو با عنوان «صاحب دزدان دریایی» که سال ۱۹۶۶ منتشر شد، بلگریو در آن کتاب با یک جمله شروع می‌کند «خلیج فارس، که امروزه عرب‌ها به آن خلیج عربی می‌گویند.» این در حالی است که چهار یا پنج سال پیش‌تر، در کتاب دیگری با عنوان «به بحرین خوش آمدید»، از نام «خلیج فارس» استفاده می‌کند. این نشان می‌دهد که نه یک کشف جغرافیایی یا تاریخی جدید صورت گرفته، بلکه یک توطئه سیاسی بود. این نام‌گذاری جدید به مذاق برخی گروه‌های بعثی در عراق و مصر خوش آمد. جمال عبدالناصر، که در سخنرانی‌های گذشته خود همواره از نام «خلیج فارس» نام می‌برد، ناگاه این نام را تغییر داد و از «خلیج عربی» استفاده کرد. اما باید توجه داشت که دانشمندان، سیاستمداران و اندیشه‌ورزان برجسته‌ای در کشورهای عربی وجود دارند که این جنجال و توطئه بریتانیایی را نمی‌پذیرند. فهرست بلندی از این افراد منصف وجود دارد که معتقدند باید احترام به اسناد و مدارک تاریخی گذاشته شود. صدها نقشه در عراق، حتی پس از حزب بعث، وجود دارند که در کتاب‌های درسی و نقشه‌های رسمی، نام «خلیج فارس» به‌درستی به‌کار رفته است. بنابراین هیچ تردیدی در این زمینه وجود ندارد.



**یمن واهمیت استراتژیکی آن**

نام تاریخی سرسزمین یمن امروزی، «حمیر» بوده است و یمنی‌ها این نام را برای سرسزمین خود استفاده می‌کردند. ایرانیان نیز این واژه را در شاهنامه به‌شکل‌های مختلف مثل «هاماوران» به‌کار برده‌اند. رابطه بین سرسزمین ایران و یمن یا عربستان خوشبخت، سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد. یمن یک منطقه استراتژیکی برای ایرانیان بود که به آن توجه می‌کردند. در سده چهارم میلادی(حدود سال ۱۸۰ میلادی)، مردم یمن دین یهودیت را به‌عنوان دین یکتاپرست پذیرفتند و یهودی شدند. آنان در کتیبه‌هایی که به یادگار گذاشتند و در سنگ قبرهایی که نوشتند، اظهار می‌کردند که اگر چه عرب هستند، اما ملت اسرائیل و پیروان خدای رحمان هستند. برخی پژوهشگران معتقدند که واژه «رحمان» در این کتیبه‌ها یا «الر حمن الرحیم» در بسم‌الله رابطه دارد. به‌هرحال، یمنی‌های یهودی خدای رحمان را ستایش می‌کردند.

**دو حکومت یکتاپرستی؛ یهودیت و مسیحیت**  
در همان زمان، در آن سوی دریای سرخ (در منطقه حبشه یا اتیوپی امروزی)، یک حکومت دیگر شکل گرفت که دین مسیحیت را پذیرفت. بنابراین در دو سوی دریای سرخ، دو حکومت یکتاپرست یهودی در یمن و مسیحی در حبش تشکیل شد. حبشیان (یا اتیوپی‌ها) همواره مدعی جنوب عربستان بودند و بارها این منطقه را تسخیر کردند. آنان به‌راحتی از دریای سرخ عبور می‌کردند و در القاب و عناوین رسمی خود، ادعای تسلط بر جنوب عربستان را داشتند. سکه‌هایی که ضرب کردند و کتیبه‌هایی به‌زبان حبشی و یونانی که دوزبانه بودند، نوشتند و همگی این ادعا را تایید می‌کردند.

یک جنگ و جدال دینی شکل گرفت. یکی از پادشاهان یهودی حمیر شروع به تعقیب، کشتار و آزار گسترده‌ای از مسیحیان منطقه نجران، در جنوب عربستان امروزی کرد. پاداش یهودی با نام یوسف (ذونواس در منابع غربی یا دوناس در منابع یونانی) به نجران حمله کرد و کشتار شگفت‌انگیزی از مسیحیان انجام داد. این همانی است که در قرآن کریم (سوره البروج، آیات ۴ تا ۸) با عنوان «اصحاب‌الاخلدود» یعنی اصحاب گودال‌های آتش باز تاب پیدا کرده است. یوسف که آیین یهودی داشت، گودال‌های آتش ایجاد کرد و مسیحیانی را که از تغییر دین خودداری می‌کردند، در این گودال‌ها می‌انداخت و مسیحیان کشته می‌شدند.

ذونواس خبر این کشتار را در نامه‌ای برای یک حکومت دست‌نشانده ایران در جایی به نام حیره یا کوفه امروزی ارسال می‌کند. این حکومت دست‌نشانده پادشاهان ساسانی بود و آن نامه در آنجا خوانده می‌شود که من کشتار مسیحیان را انجام دادم و از تو به عنوان یک حاکم دست‌نشانده و متحد من، می‌خواهم که مسیحیان قلمرو خود را نابود کنی. در همان مجلس، یک فرد مسیحی که از طرف امپراتوری روم آمده بود، خبر این کشتار شگفت‌انگیز را شنید و آن را به امپراتوری روم گزارش داد. امپراتور روم یوستینیانوس که مسیحی بود، برآشفته شد و نامه‌ای به حاکم حبشه که آن هم نیز مسیحی بود، فرستاد و گفت «با کمک نیروی دریایی من به یمن حمله کن و یهودیان را از بین ببر».

یک استاد تاریخ نوشت:

# توطئه تاریخی«تلاش برای تغییر نام خلیج فارس!»

**تداوم نام خلیج فارس در منابع تاریخی**

**دخالت حبشه و تغییر حکومت**

حاکم حبشه، که در تاریخ اسلام نام او را «جاشی» می‌شناسیم که البته این یک عنوان بود، با کمک امپراتور روم به یمن حمله کرد. در این جنگ، ذونواس کشته شد و حکومت یهودیان در یمن پایان یافت. حکومت مسیحی برای مدتی در این منطقه برقرار شد اما این حادثه پیامدهای تاریخی بسیاری داشت. منطقه یمن، باب‌المندب و دریای سرخ از کنترل ایرانی‌ها خارج شد، زیرا حبشیان دست‌نشانده روم بودند. تجارت ابریشم از راه‌های زمینی تا حدود زیادی از بین رفته بود و امپراطوری روم به ابریشم نیاز داشت تا با پول فروش ابریشم، سپاه خود را تجهیز کند. ایران راه‌ها را بسته بود و امپراطور روم، ژوستینیان، می‌خواست با کمک حبشیان، کشتی‌های ابریشم را از هند بخرد و از طریق دریای سرخ و کانالی که داریوش ساخته بود، آن را وارد دریای مدیترانه کند و ایران را دور بزند.

شاهان ایرانی متوجه شدند که دارند ضرر می‌کنند. بنابراین باید یمن را بگیرند. یکی از بازماندگان خاندان حمیری به دربار شاه خسرو انوشیروان پناه برد و گفت رومیان آمدند، سرزمین من را گرفتند، شبه جزیره عربستان را به زیر سلطه خود درآوردند، تجارت دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند را گرفتند و اگر شما کاری نکنید، کار از کار می‌گذرد. خسرو انوشیروان تصمیم گرفت یمن را بازپس بگیرد.

بر اساس منابع تاریخی، او ۸ کشتی جنگی فرستاد که هر کشتی صد جنگاور را حمل می‌کرد. این کشتی‌ها از بندر «ابله» (در منطقه بصره امروزی) از طریق خلیج فارس به یمن رفتند. دو کشتی در راه از بین رفت، اما شش کشتی دیگر به سلامت به یمن رسیدند. این نیروهای ایرانی حکومت حبشی را سقوط داده و یک حکومت جدید در یمن برقرار کردند. دوره جدیدی آغاز شد که یمنی‌ها ایرانی‌ها را «احرار» (آزادگان) می‌نامیدند.

**شهرت ایرانیان در یمن**

چندین قصه و شعر عربی وجود دارد که شاعران عربی به یمن رفتند و در سستانیش ایرانی‌ها سخن گفتند. یک نکته بسیار جالب این است که در ورودی شهر صنعا (پایتخت یمن) کتیبه‌ای وجود داشته است که خود مردم یمن و صنعا نوشته‌اند. جغرافی‌دانان دوره اسلامی این کتیبه را نقل کردند و نوشته‌اند؛ «حبشیان اشرار بر ما حکومت کردند، اما در دوره‌ای فارس‌های احرار بر ما حکومت کردند». حکومت ایرانی‌ها در یمن تداوم پیدا کرد و بعدها، فردی به نام ابرهه که یک حبشی و از طرف حاکم حبشه آمده بود، کودتا کرد و حکومت را به دست گرفت. ابرهه یک حاکم مستقل و خارج از حکومت حبشه تشکیل داد و بر امپراطور روم متحد شد. او تصمیم گرفت با حمله به سرسزمین ایران (به‌خصوص مکه و مدینه) مقاومت کند. آن چیزی که در قرآن با نام سوره قیل می‌شناسیم و منابع تاریخی و عربی می‌گویند که حمله به مکه و مدینه صورت گرفته، این‌س روایت بود. در حقیقت مکه و مدینه به حوزه قلمرو و اقتدار ایران ساسانی بودند. بنابراین لشکرکشی ابرهه، که نوع جنگ با ساسانیان بود که در قرآن اینگونه بازتاب پیدا کرده است، منطقه خلیج فارس، شبه جزیره عربستان و یمن از روزگار باستان به دلیل موقعیت استراتژیکی شان، مورد توجه و رقابت روایتی قرار داشته‌اند.

**رئیس بنیادایران شناسی شعبه بوشهر:**

## خلیج فارس نقش تعیین کننده‌ای در تحولات جهانی دارد

تحولات معاصر نیز ادامه داشته است گفت: رخدادهایی مانند قیام دُهیار در دوره پهلوی دوم، جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، جنگ اول و دوم خلیج فـارس و دیگر تحولات منطقه‌ای نشان می‌دهد که این منطقه همچنان در کانون توجه جهانی قرار دارد.

وی اضافه کرد: همین اهمیت باعث شده پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه خلیج فارس انجام شود و امروز بخش قابل توجهی از تحقیقات، کتاب‌ها، مقالات و همایش‌های علمی به بررسی ابعاد تاریخی، سیاسی و اقتصادی این منطقه اختصاص داشته باشد.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر با تأکید بر اهمیت این پهنه آبی گفت: خلیج فارس از نظر سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و گردشگری یکی از مهم‌ترین مناطق جهان است و بسیاری از اخبار و تحولات مهم جهانی به این منطقه مربوط می‌شود.

مشایخی همچنین به نقش تاریخی بوشهر در دفاع از این منطقه اشاره کرد و افزود: به دلیل همجواری گسترده بوشهر

با خلیج فارس، در دوره معاصر دست‌کم چهار تهاجم به این شهر صورت گرفته است؛ از جمله در سال ۱۲۵۴ قمری در زمان محمدشاه قاجار بر سر مسئله هرات با انگلیسی‌ها، در سال ۱۲۷۳ قمری (۱۸۵۶ میلادی) بسا حمله دوباره نیروهای انگلیسی، در دوره مشروطه و استبداد صغیر و نیز در جریان جنگ جهانی اول که بوشهر اشغال شد.

وی ادامه داد: در این دوره‌ها مبارزان و شهیدایی همچون رئیس‌علی دلواری، زائر خضر حسین، خالو حسین دشتی و مظفر السلطنه برازجان‌ی و دیگر مجاهدان بوشهری برای دفاع از آب و خاک کشور ایستادگی کردند.

مشایخی گفت: مردم بوشهر به دلیل پیوند عمیق زندگی و معیشت خود با دریا همواره نگهبانان و پاسداران شایسته‌ای

برای این آبراه مهم و استراتژیک بوده‌اند.



کردند. وی افزود: پس از پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و سپس انگلیسی‌ها و فرانسوسی‌ها نیز به دلیل اهمیت این آبراه استراتژیک در منطقه حضور یافتند و نخستین نقطه‌ای که مورد توجه آنان قرار گرفت تنگه هرمز بود.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر با اشاره به موقعیت تنگه هرمز گفت: این تنگه به دلیل همجواری با جزیره هرمز و قرار گرفتن جزایر مهمی همچون لارک، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در این محدوده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سوی دیگر این تنگه نیز کشور عمان قرار دارد که بر اساس قراردادهای سال ۱۲۵۳ روابط مشترک دریایی با ایران دارد.

مشایخی با بیان اینکه اهمیت جهانی خلیج فارس در

وی با بیان اینکه خلیج فارس در طول تاریخ در مرکز بسیاری از تحولات قرار داشته است افزود: از دوره پیش از اسلام و لشکرکشی‌های هخامنشیان به مناطق مدیترانه و دریای سیاه و نبردهای خشایارشا به یونانی‌ها تا دوره‌های پس از اسلام، این منطقه همواره نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای ایفا کرده است.

مشایخی اظهار کرد: از قرن هفدهم میلادی و با آغاز اکتشافات جغرافیایی، قدرت‌های اروپایی وارد منطقه خلیج فارس شدند. پرتغالی‌ها به فرماندهی آل‌بوکرک جزیره هرمز را تصرف کردند اما کمتر از ۱۱۰ سال بعد، در سال ۱۶۲۲ میلادی، نیروهای ایرانی به فرماندهی اقام‌قلی‌خان با همکاری نیروهای بومی، پرتغالی‌ها را از منطقه اخراج